

آثار تاریخی لنجان اصفهان

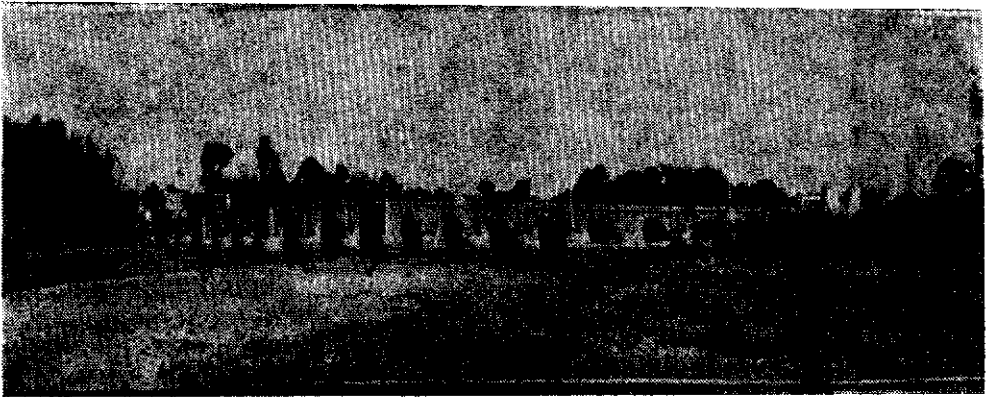
دکتر
لطف‌الله هنرفر

بلوک لنجان از نواحی بسیار حاصلخیز و پربرکت اصفهان است که در جنوب غربی اصفهان واقع شده و زاینده‌رود از میان آن میگذرد و بدو قسمت : لنجان علیا و لنجان سفلی تقسیم میشود.

لنجان سفلی بطول ۴۲ و عرض ۳۰ کیلومتر محدود است از شمال به اصفهان و بلوک هاربین از مشرق به شاه‌کوه و از جنوب به کوه اشترجان که لنجان سفلی را از لنجان علیا جدا میکند. زاینده‌رود این قسمت را بدو بخش شرقی و غربی تقسیم میکند: قسمت غربی آنرا بلوک اشترجان و قسمت شرقی را دهستان گرکن مینامند و زارعین در دو طرف آن بیشه‌های احداث کرده‌اند که از منابع اقتصادی این منطقه است و به‌لاوه زیبایی خاصی باین دشت پهن‌آور بخشیده و تفرجگاه عمومی است. کشاورزی عمده این ناحیه کشت برنج و در درجه دوم گندم و جو و صیفی‌کاری مانند هندوانه و خربوزه و پیاز است ولی باغات میوه آن بسیار کم است و دامداری نیز بعلمت فقدان مراتع طبیعی ضعیف و لبنیات و فراآورده‌های آن کم است. مرکز این بخش فلاورجان است که پلی تاریخی از عهد صفویه دارد، مرکز لنجان علیا مبارکه است و آبادیهای مهم آن عبارتست از: خولنجان (خان‌لنجان) دیزبچه - کرکوند نکوآباد - وینیچه - اشیان - درچه - آدرگان.

خان‌لنجان که امروز مردم آنرا (خولنجان) تلفظ میکنند سابقه‌ای قدیمی دارد ناصر خسرو جهانگرد معروف ایرانی در قرن پنجم هجری هنگامی که از صفحات غربی اصفهان باین شهر سرازیر میشده است از بلوک آباد لنجان عبور کرده و به خان‌لنجان رسیده است چنانکه میگوید :

«... و از آنجا به خان‌لنجان رسیدیم و بر دروازه شهر نام سلطان طغرل بیک نوشته دیدم و از آنجا بشهر اصفهان هفت فرسنگ بود. مردم خان‌لنجان عظیم ایمن و آسوده بودند هر یک بکار و کدخدائی خود مشغول»



پل فلاورجان از پل‌های تاریخی لنجان که در دوره صفویه بنا شده است

قلعه تاریخی خان لنجان را ابتدا مؤید الملک فرزند نظام الملک وزیر مشهور سلاجقه بر فراز يك رشته از کوه‌های محلی این ناحیه که به کوه (قلعه بزی) معروف است بنا کرد و سپس با تدابیری قلعه مزبور بتصرف ابن عطاش از رهبران باطنیان درآمد و بصورت یکی از مراکز مهم جنگی مورد استفاده پیروان حسن صباح قرار گرفت. هنوز آثار اطرافها و برج‌های دفاعی و حوضها و آبگیرها و چاهی که در پستاین این قلعه وجود داشته است در محل مشاهده می‌شود.

دیگر از قلاع تاریخی لنجان شاهدز یا دزکوه است که ملک‌شاه سلجوقی پس از انتخاب اسفهان به پایتختی خود آنرا بر فراز رشته‌ای دیگر از کوه‌های لنجان بنا نهاد و خزانه و انبار سلاح خود را بنا نجا انتقال داده است ولی وزیر او نظام الملک با بنای آن قلعه در چنان نقطه‌ای از اینجهت که مبادا روزی مورد استفاده مخالفان سلطان قرار گیرد موافقت نداشته است کما اینکه عاقبت پیش‌بینی او صورت عمل بخود گرفته و احمد بن عبدالملک عطاش رهبر فدائیان اسماعیلیه بالطایف و تدابیری خود را در دستگاه سلطنت مورد اعتماد قرارداد و بسمت معلم سربازان دیلمی محافظ قلعه خود را بان حسن حصین داخل نموده و با تبلیغ سربازان مزبور با این اسماعیلی زمام امور قلعه را بدست خود گرفته و گرفتاری بزرگی برای ملک‌شاه و جانشینان وی فراهم کرده است، اما بطوریکه از وقایع دوران پادشاهی سلطان محمد بن ملک‌شاه نتیجه گرفته میشود این سلطان سلجوقی در سال (۵۰۰ هجری) و مقارن دومین سال پادشاهی خود بقلع و قمع باطنیان همت گماشت و قلعه شاهدز را پس از سالها که شاهد و ناظر وقایع خونین و مصائب بی‌شمار بوده است بتصرف در آورده و احمد بن عطاش و یاران او را بهلاکت رسانیده است.

غیر از ویرانه‌های قلاع اسماعیلیه که بنام مهمترین آنها قلعه‌خان لنجان و شاه‌دز اشاره شد آثار تاریخی موجود در لنجان عبارتست از: بقعه پیر بکران - مسجد اشترجان و مقبره ساراخاتون و غار (گیلی میلی) که چشمه آب و چنار عظیم الجثه‌ای دارد و پله‌های فلاورجان و بابا محمود

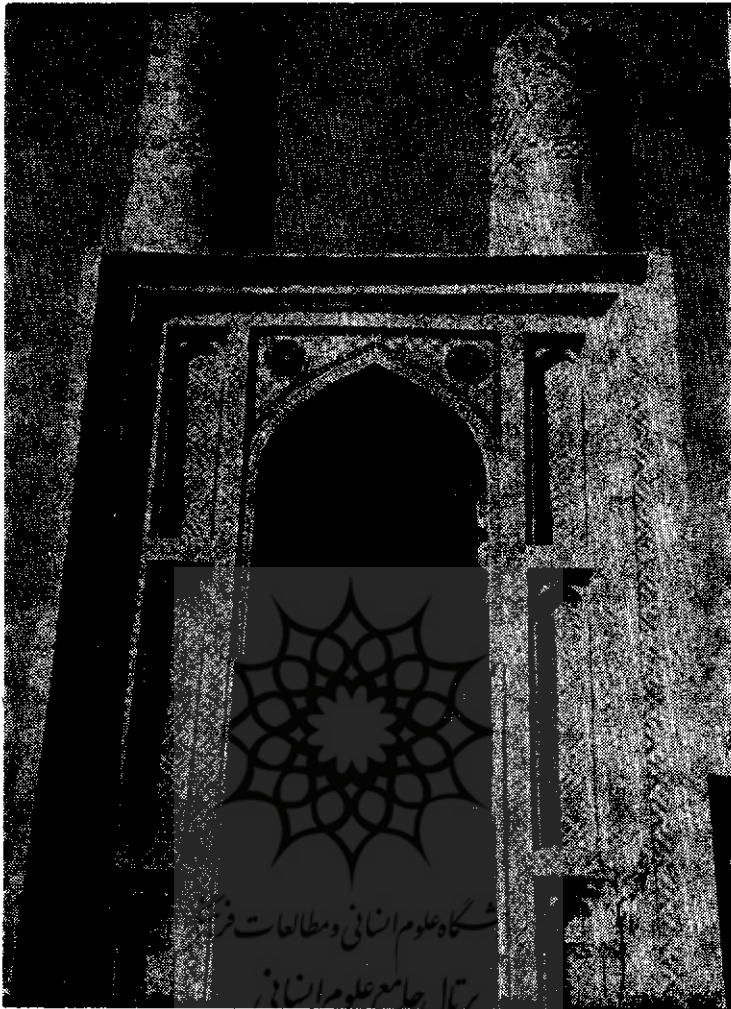
مقبره ساراخاتون (سارح بت‌آشر) در قبرستان قدیمی کلیمیان در قریه پیر بکران از آثار کهن یهودی در شهر اصفهان است و قدیمی‌ترین سنگ نوشته‌ای که بزبان عبری در این محل بدست آمده و از قدمت محل و سابقه اقامت کلیمیان در اصفهان حکایت دارد از قرن دوم مسیحی است. هم‌اکنون قبرستان یهودیان در پیر بکران مورد استفاده کلیمیان است و مانند قرون سابق اموات خود را در محل مزبور دفن میکنند.

صفه و بقعه پیر بکران در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی اصفهان در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری محل تدریس محمد بن بکران از علماء و زهاد مشهور لنجان بوده که پس از وفات در همین محل مدفون شده است و قبّه و محوطه آرامگاه او را بنا تزیینات فراوان گچ بری از نوع تزیینات مسجد اولجایتو در مسجد جمعه اصفهان تزیین کرده‌اند. نام محمد بن بکران در کتیبه‌های زیبای این بقعه بخط ثلث گچ بری شده و کتیبه‌های مزبور بتاریخ ۷۰۲ هجری که سال وفات محمد بن بکران بوده و سال ۷۱۲ که سال اتمام بنای مزبور است مورخ شده است.

بعقیده هر تسفلد (E. Herzfeld) باستانشناس معروف بقعه پیر بکران تقلید و پیروی عالی از طاق کسری است.

مسجد اشترجان از آثار مهم عصر ایلخانان مسلمان منول است که مقارن اواخر سلطنت سلطان محمد خدا بنده (اولجایتو) بوسیله خواجه فخر الدین محمد بن محمود بن علی اشترجانی که بفحواى کتیبه سردر بزرگ مسجد ملک الوزراء محسوب میشده بنا گردیده و یکی از ابنیه نفیس و بسیار جالب لنجان در استان تاریخی اصفهان است.

این مسجد که از نظر وسعت نیز قابل ملاحظه است دارای دوسر در تاریخی در سمت شمال و مشرق است. سردر شمالی که متجاوز از ۱۲ متر ارتفاع دارد با کاشیهای نفیس و قطار بندی مقرنس عالی تزیین شده و در طرفین آن دو مناره موجود است که بیش از دوسوم آنها بمرور زمان فرسوده و خراب شده ولی آثار برجای مانده آنها هنوز از عظمت سابق و نفاست تزیینات آنها حکایت میکند. نکته قابل توجه در مناره‌های سردر شمالی مسجد اشترجان آنستکه مناره‌های مزبور مانند مناره‌های منارجنبان اصفهان متحرک هستند و با حرکت دادن یکی در دیگری نیز حرکت محسوس و مشهود میگردد.



سردر شمالی مسجد جامع اشترجان مورخ بسال ۷۱۵ هجری

کتیبه سردر شمالی مسجد که بخط ثلث مخصوص بسا کاشی نگاشته شده بشرح زیر است :

د امر ببناء هذا المسجد المبارك صاحب الاعظم ملك الوزراء في العالم فخر الدنيا والدين محمد بن محمود بن علي الاشترجاني،

و در کتیبه سردر شرقی و همچنین کتیبه گچ بری داخل گنبد سال بنای مسجد مزبور (۷۱۵ هجری) ذکر شده است.

ابن بطوطه سیاح مشهور مراکشی که در سال ۷۲۷ هجری شهر اصفهان را دیده و مدتی در خانقاه (علی بن سهل) در این شهر بسر برده است در مسافرت خود بسوی اصفهان از نواحی پر برکت لنجان عبور کرده و شهر اشترجان و مسجد جامع عظیم آنرا توصیف کرده است.

ابن بطوطه چنین میگوید :

د پس از چند روز از ایذه حرکت کردیم . منزل اول در مدرسه السلاطین که مقبره خانوادگی پادشاهی است توقف کردیم و چند روزی در آنجا ماندیم . سلطان قدری پول برای من و رفقایم فرستاد . تا مدت ده روز در قلمرو حکومت اتابک راه پیمودیم ، راه ما از میان کوههای بلند بود و هر شب در مدرسه‌ای منزل میکردیم که در همه آنها وسایل خورد و خوراک مسافرین فراهم بود . از این مدرسه‌ها برخی در میان آبادی قرار گرفته و برخی دیگر در مواضع غیر مسمور بنا شده و ناچار اجناس مصرفی آنها را از نقاط دیگر می‌آوردند . روز دهم بمدرسه‌ای رسیدیم که (کریوا الرخ) نامیده میشد . این منزل آخرین نقطه زیر حکومت اتابک بود و از آن پس مسافرت ما در زمین پهناور و پرآبی آغاز شد که از مضافات شهر اصفهان بشمار میرود . در این طریق نخست بشهر اشترجان رسیدیم . اشترجان شهری است نیک و پر آب و دارای باغها ، مسجد زیبایی نیز دارد که آبی از وسط آن میگذرد . سپس بشهر قیروزان رفتیم که شهری کوچک است و نهرا و باغها و درختها دارد . بعد از نماز عصر بود که باین شهر رسیدیم و مردم برای تشییع جنازه‌ای به بیرون شهر آمده بودند ، از پیش رو پس جنازه مشعلها افروخته بودند و بدنبال آن شیپورها میزدند و مغنیان آوازهای طرب‌انگیز میخواندند . ما از کار آنان در شگفت شدیم و یک شب در آنجا ماندیم و فردا به قریه فیلان رفتیم . ۱۰۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی